

۱۱ اردیبهشت

قیمت ۵ ریال

نیمه اول اسفندماه

۱۱ اردیبهشت شماره ۳

کارگران مبارز کارخانه آژور پیروزشدند

حدود یکماه قبل کارفرمای کارخانه (جلیلی) که خود در محل کارخانه نیست برای کنترل و سرکوب حرکاتی که از طرف کارگران در حال انجام بود یک نفر مدیر داخلی به اسم احمدچینی فروشان (پسر بیوک چینی فروشان) را به کارخانه فرستاد. این شخص برای مقابله با خواسته های کارگران و زیر فشار قرار دادن آنان دست به اعمال ضد کارگری میزند و میخواهد که کارگران مثل ماشین برای کار کنند. این شخص که با دسترنج به تاراج رفته کارگران در آمریکا دوره دیده است میخواست مودیان کارگران را هرچه بیشتر غارت کند، او حتی به تلفنچی کارخانه دستور

بقیه در صفحه ۳

از شورای کارکنان شرکت مخابرات پشتیبانی کنیم

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن، تحمن بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان شرکت مخابرات در ساختمان شماره ۲ (واقع در جاده قدیم شمیران) که برای احقاق حقوق عادلانه خود برگزار شده بود با یورش پاسداران مسلح، تحت بدترین توهینات، ضرب و شتم و ایجاد وحشت و نهایتاً "دستگیری" عده ای از کارکنان مبارز سرکوب گردید.

پس از دولت سازشکار و رسوای آقای بازرگان و شورای انقلاب آقای بهشتی، حال چشم ما به دولت آقای بنی صدر با آنهمه ژست های آزادی -

بقیه در صفحه ۱۱

انقلاب شکست خورد، زنده باد قیام ۲۱ بهمن

یکسال از قیام قهرآمیز ۲۱ بهمن ماه گذشت. قیام بهمن ماه که اوج مبارزات قهرآمیز توده های رنج دیده مادرطول دوسال جنگ و شهادت بود بالاخره توانست وظیفه اول خود (یعنی سرنگونی سلطنت ۲۵۰۰ ساله) را به انجام رساند. اما این نیمی از تولد انقلاب نبود. بقا و پیروزی قیام به این بستگی داشت که چه کسانی و چه بخش از جامعه قدرت را بدست بگیرد. امروز جواب به این سؤال برای همه روشن شده است.

بقیدر صفحه ۲

از مبارزات بحق کارگران گروه انتشاراتی (خوارزمی، جیبی و امیرکبیر) پشتیبانی کنیم

از روز چهارشنبه ۱۰ بهمن ماه، کارگران گروه انتشاراتی امیرکبیر که پس از مراجعات مکرر به وزارتخانه ها قادر به احقاق حقوق حقه ی خویش نشده بودند در شعبه ی امیرکبیر روبروی دانشگاه متحمن شدند.

خواسته های این کارگران پس از سرپیچی و قیحانه ی کارفرما از پرداخت اضافه دستمزد مصوب وزارت کار به کارگران و نیز اقدام بفروش فروشگاهها و اخراج غیر قانونی کارگران به اتهام واهی دزدی بقرار زیر عنوان گردید:

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه انقلاب شکست خورده...

مطالعه و بررسی حوادث و فعالیت‌های نیروهای ضد انقلاب و عوامل بزرگ کرده امپریا-لیسم در یکسال گذشته بخوبی نشان می‌دهد که متاسفانه سرمایه‌داری ایران دست‌درست امپریالیسم جهانی توانست خود را از خطر نابودی نجات داده انقلاب را ، زدن متلاشی و ادامه‌اش را به بیراهه بکشاند . بنابراین ادامه مبارزه که عبارت بود از مسلح کردن توده‌ها : تشکیل ارتش خلقی ، تشکیل شوراهای سرتاسری انقلابی کارگران و زحمتکشان و در نهایت بدست گرفتن قدرت توسط این شوراها جهت درهم کوبیدن پایه‌های اقتصاد سرمایه‌داری و کلیه بندهای اقتصادی و سیاسی امپریالیسم ، عملاً عقیم ماند و قیام در اولین روزهای تولد خود زندانی شد .

از همان ابتدای مبارزه با امپریالیسم و عوامل آن در ایران حمله به نیروهای مترقی و انقلابی در دستور کار قرار گرفت . خلع سلاح عمومی شروع شد . بعد از فرار شاه و مهره‌های شناخته شده درباری ، خیلی‌ها فکر می‌کردند که بنابراین سرمایه‌داری هم از بین رفته است در حالی که سرمایه‌داری بدون اینکه خود را معرفی کند در لباس روحانی و روشنفکر و غیره عملاً انقلاب را به جهتی که می‌خواست رهبری کرد . دولت بارزگان با هزار وعده وعید و با موش مرده‌گی ، کسانی مثل امیر-انتظام و میناچی و غیره را که جاسوسان و نوکران دست به سینه آمریکا بودند بروی کار آورد تا از حاد شدن انقلاب جلوگیری کنند . دولت بارزگان بود که در جواب ۳/۵ میلیون بیکار و تقاضای بحق آنان برای امرار معاش برجست ضد انقلابی به آنها زد . بعد معلوم شد که ضد انقلابی چه کسی بوده است . بعدها هم که برای تقسیم قدرت بین جناح‌های مختلف رژیم مسابقه ورقابت در گرفت ، دولت بارزگان ظاهراً " کنار رفت و شورای انقلاب که برای مدت طولانی مخفی نگاه داشته بود دست نخورده به کار خود ادامه داد . اشغال سفارت آمریکا هم بهانه خوبی برای حفظ نظام سرمایه‌داری نبود . جارجال گروگان گیری سفارت آمریکا وسیله خوبی بود تا رقابت بین جناح‌های حاکم سرپوشیده باقی بماند . ولی عمل سرمایه‌داری پشت این همه

تبلیغات توانست قانون اساسی خودش را تصویب کند . انتخابات ریاست جمهوری آخرین پسرده نمایش خیمه‌شب‌بازی بود و بالاخره آقای بنی‌مدر کسی که عاشق سرمایه‌داری نوع اروپائی بود به ریاست جمهوری انقلاب شکست خورده ایران رسید . حال که به حوادث و رویدادهای بعد از قیام بهمن نگاه میکنیم ، متوجه میشویم که سرمایه‌داری با ظرافت تمام و صحنه‌سازیهای ماهرانه توانست پشت ماسک انقلاب به پیروزی برسد . برای اثبات این مسئله بهتر این بود که تحلیل همه جانبه از حرکت‌های اقتصادی و سیاسی رژیم حاکم از ابتدا قیام را به نمایش بگذاریم ولی در این نوشته کوتاه همینقدر کافیمت که فراندوم هـا و انتخابات برگزار شده را بعنوان بخشی از کارنامه با اصطلاح انقلاب ایران شاهدها وریم .

۱- فراندوم جمهوری اسلامی در مقابل رژیم

شاهنشاهی .

هدف از این فراندوم بهیچ وجه طرد رژیم

شاهنشاهی نبود چون عملاتوده‌ها با خون خود اینکار را کرده بودند و احتیاجی به فراندوم نداشت . هدف اصلی سرمایه‌داری از این فراندوم کنار گذاشتن نیروهای مترقی و انقلابی و علم کردن اسلام در مقابل کمونیستها بود .

۲- انتخابات مجلس خبرگان بجای مجلس مؤسسان .

سرمایه‌داری مجلس مؤسسان را بنفع خود نمی‌دید بنابراین با زیرکی خاصی از زیر آن در رفت . اگر مجلس مؤسسان بطور آزاد برگزار میشد مسلماً " کارگران و زحمتکشان که اکثریت قاطع جمعیت را تشکیل می‌دهند ، بیشتر از همه میتوانند نماینده بدهند . در این صورت شوراها کارگران و دهقانان و سربازان و نیرو-های انقلابی اکثریت نمایندگان را تشکیل میدادند . و با قانون اساسی که بدست نمایندگان واقعی کارگران و زحمتکشان نوشته شود فاتحه سرمایه‌داری خوانده میشد .

۳- فراندوم قانون اساسی .

با تصویب پیش نویس قانون اساسی که در آن مالکیت بر وسائل تولید بزرگ و سرمایه مشروع و مقدس

بقیه کارگران مبارز کارخانه آژور ۵۰۰

داده بود که اگر کسی از خارج با کارگران تماس بگیرد به آنها اطلاع ندهد چون آمد و رفت کارگران برای صحبت تلفنی حداقل ۱۰ دقیقه وقت تولید را میگیرد. به نظافتچی کارخانه که کار آبدارچی را هم میکند گفته بود که احتیاجی به او نیست تا تلفنچی کار او را انجام دهد و ۵۰۰ با شرایط جدید کارگران تشخیص دادند که شورای جدیدی باید تشکیل دهند. بنا بر این سه نفر از شورای ۶ نفره قدیم کنار رفتند و ۴ نفر کارگزار اضافه شد که نتیجه "شورای جدید با ۷ نفر اعضا" نماینده تشکیل شد. اولین برنامه شورای جدید مقابله با احمد چینی فروشان نماینده مستقیم سرمایه دار در کارخانه بود. روز سوم شورا و بقیه کارگران در نهار خوری مشغول نهار خوردن بودند که شورا از احمد چینی فروشان میخواهد تا به نهار خوری آمده و خود را به کارگران معرفی نماید. او ضمن معرفی خود میگوید حاضر است ۱۰ قدم برای کارگران بردارد و در عوض کارگران فقط نیم سانت برای کارفرما بردارند. کارگران که در سه روز گذشته قدمهای او را دیده بودند، مجال زبان بازی بیشتر به او ندادند و یک نفر از کارگران شروع به شمردن قدمهای ضد کارگریش میکند و سپس همگی یک صدا میخواهند که این شخص کارخانه را ترک کند. بدنبال این تصمیم گیری کارگران متحدان "آقا! را سوار بنشان کرده و از کارخانه بیرون می اندازند.

بعد از بیرون انداختن این موجود کثیف اعضای شورا سخنرانی پرشوری جهت ادامه مبارزه کرده اعلام میدارند که اکنون وقت آن رسیده است تا خواسته های خود را بگیریم. شورا بلافاصله خواسته های کارگران را از طریق قطعنامه اعلام کرده و با پشتیبانی کامل کارگران از این قطعنامه، مبارزه با کارفرما (جلیلی) شروع میشود. قطعنامه بوسیله شورا به کارفرما داده میشود و او پس از دیدن متن نامه میگوید که حاضر به انجام حتی یک ماده از قطعنامه نمیشود. از این زمان کارگران اعتصاب خود را شروع

کرده و جلو خروج کالا از کارخانه را می گیرند. کارفرما ۲۰ نفر از کارگران را تهدید باخراج کرده و از شورا و کارگران به وزارت کار شکایت میکند. بعد از ۴-۵ روز یک هیئت سه نفری از وزارت کار برای باز دید کارخانه آمد. این هیئت سه نفری که پشت پرده با کارفرما ساخت و پاخت کرده بودند، بعد از دیدار از کارخانه با شورا و کارفرما وارد صحبت شدند و قطعنامه را ببها نه اینکه فلان چیز قانونی نیست و دیگری به شما مربوط نیست، رد کردند و جالب اینجاست که میگفتند: کارفرما هر کارگری را که بخواهد میتواند بیرون کند. این جواب وزارتخانه ای است که ظاهرا "برای رسیدگی و دفاع از منافع کارگران تشکیل شده ولی همیشه سدی جلوی کارگران بوده و بشفع سرمایه داران زالوشت که مکنده خون کارگران هستند عمل میکند. " قانون کار همان قانون کار قدیم است و زیر بار آن نمیرویم "

این بود جواب دندان شکنی که کارگران با مشت های گره کرده خود به هیأت سه نفری وزارت کار دادند.

" آن قانونی برای ما محترم است که بدست ما و برای ما نوشته شود."

جریان بوسیله شورا به کمیته "دپو" گفته شد. کمیته گفت که بعضی از خواسته های شما برحق است و تعدادی از آنها غیرقانونی. ولی زمانی که برای باز دید به کارخانه آمدند و وضع آنجا را دیدند گفتند که اگر آنها هم بجای برحق و تعدادی از آنها غیرقانونی است. ولی باز به نحوی پیشنهاد سازش با کارفرما را میدادند و وقتی که تصمیم به فروش تولید توسط کارگران گرفته شد کمیته مانع آن گردید.

۴ یا ۵ روز از اعتصاب گذشته بود که نامه ای هم برای شورای انقلاب فرستاده شد که در جواب گفتند: کارتان بما مربوط نیست و شکایت شما را به وزارت بازرگانی فرستاده ایم چندین بار کارگران به وزارت صنایع و معادن

بقیه کارگران مبارز کارخانه آژور...

نیز رجوع کرده و احتمال خوابانیدن کارخانه را گوشزد کردند. اما جواب قاطعی دریافت ننمودند. در این چند روز اعتصاب کارگران به همکاری کامل و تقسیم کار درست بین خود و تشکیل یک صندوق تعاونی و جمع آوری ۱۷ هزار تومان برای هزینه های کارخانه، منع خوابانیدن کارخانه بوسیله کارفرمای خائن برای بزانو در آوردن کارگران شدند. در این فاصله که پرداخت حقوق کارگران دیر شده بود، شورا تصمیم به فروش تولید کارخانه گرفت که عمده فروشیه ها جواب رد داده و گفتند باید با کارفرما معامله کنند. ماهم انتظاری جز این نداشتیم چون این سرمایه داران کثیف همیشه به هم نان قرض میدهند. بعد از این شورا تصمیم گرفت که بجای اینکه کالا را به این کلاش ها و لاشخورها بدهد، به فروشندگان خرده پا که سود کمتری میخواهند تحویل دهد تا کالا هم ارزانتر در بازار به فروش برسد.

در این زمان که کارگران با مبارزه ی خود بخواسته های شان نزدیک میشدند ۲ نفر از "کمیته دیو" آمدند و جلوی فروش را گرفتند و گفتند حکمی از طرف آقای باهری کمیته ی مرکزی آمده که ما باید جلوی فروش را بگیریم با آقای باهری تماس گرفته شد و او وجود حکم را رد کرد. اینبار کمی حکم از کمیته گرفته شد و با آقای باهری (کمیته ی مرکزی) تماس گرفته شد که او جریان را به صنایع و معادن مربوط دانستند. خلاصه شورا بین صنایع و معادن و کمیته دیو و کمیته مرکزی در رفت و آمد بود که معلوم شد کارفرما نه تنها از نفوذ در وزارت کار بلکه همچنین در کمیته ی مرکزی هم استفاده کرده و رضایت حامیان سرمایه داری را بطرفداری از خودش جلب نموده است.

در آخرین جلسه که بینا به تقاضای آقای شانه چی، یکی از تهیه کنندگان مواد اولیه (آهن) برای مذاکره با شورا و کارفرما تشکیل شد، کارفرما مجبور به قبول تمام خواسته ها بفر

از حق مسکن شد که فردای آنروز موضوع با تمام کارگران در میان گذاشته شد. عده ای از کارگران میگفتند باید تا آخر مبارزه کرد و تمام امکانات را از دست کارفرما بیرون آورد. ولی عده ای دیگر از کارگران میگفتند که فعلاً "خواسته ها" بفرمایند حق مسکن دریافت شود و حق مسکن مشروط بر بالا رفتن تولید درخواست شود.

کارگران بعد از حدود سه هفته درگیریهای متعدد با کارفرما (جلیلی) خواسته های خود را با مبارزه پیگیر و متحد از این سرمایه دار جانی بدست آوردند.

* پیروز با دهنبرد کارگران علیه سرمایه داران *

* پرتوان ترباد همبستگی کارگران *

* ننگ و نفرت بر حامیان سرمایه داری *

در زیر عین قطعنامه ۹ ماده ای کارگران درج میگردد.

قطعنامه کارگران کارخانه آژور مورخ ۱۳/۱۱/۵۸

ما کارگران شرکت صنعتی آژور (جاده قدیم کرج

خیابان بیمارستان شماره ۲ پائین تر از سه راه خلیج) که هنوز تحت استثمار کارفرما (جلیلی) بود و متأسفانه در حکومت جمهوری اسلامی نیز بمراتب بیشتر از دور ان حکومت ننگین پهلوی مورد ظلم و بهره گیری (که

حاضر به اثبات آن در حضور هر مرجعی نیز هستیم) قرار میگیریم و در ضمن چون وزارت کار نیز با قوانین طاغوتی نمیتواند جوابگوی خواسته های ما، باشد جهت احقاق خواسته های طبیعی و بحق خود راهی جزمبارزه برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود ندانسته و خواسته های خود را در این مرحله از طریق این قطعنامه که مورد پشتیبانی ماست طرح و تحقق آن کنترل کارخانه را در اختیار میگیریم.

خواسته هایمان بشرح زیر است:

۱- حق مسکن، با توجه به بالا رفتن تولید کارخانه و پائین آمدن تعداد کارگران کارخانه نسبت به سال گذشته لازم میدانیم که حق مسکن برای تارگران مجرد از ۱۹۰ به ۵۰۰ و برای کارگران متأهل از ۳۳۰ به ۷۰۰ تومان افزایش یابد.

۲- سود ویژه کارخانه میبایستی همطراز با کارخانه های مشابه (نظیر اربل، تارج، ...) دریافت گردد.

کارگران از کوره مبارزات طبقاتی میگذرند و چون فولاد آبدیده میشوند

گزارش از کارخانه ریسندگی قرقره زیبا

گزارشی یکی از کارگران مبارز.

کارخانجات ریسندگی قرقره زیبا یکی از با سابقه ترین کارخانجات ایران میباشد. کارگران این کارخانه سابقه مبارزاتی درخشان در رژیم منفور پهلوی داشته اند و بارها بخاطر داشتن خواسته های بحق، با سرنیزه های آمریکائی سربازان ارتش شاهنشاهی سرکوب شده اند و دست ناسرنگون شدن رژیم جهنمی سلطنتی هیچگاه دست از مبارزه برنداشته اند. اعتصاب نزدیک به پنج ماه این کارخانه و کارخانه تولیدی درخشان (که اخیراً این دو کارخانه را از هم دیگر جدا کرده اند) در سال ۵۷ نمونه چشمگیری از مبارزات کارگری ایران بحساب میآید. کارخانه قرقره زیبا و کارخانه درخشان با سرمایه گذاری سه برادر (شکرچیان ها) تاسیس شدند. یکی از بنیان گذاران کارخانه قرقره زیبا فردی است بنام مهندس حقیقی. این فرد علاوه بر اینکه در کارهای فنی ریسندگی و بافتگی مهارت داشته و با دستگاههای مدرن ریسندگی و بافتندگی آشنائی دارد، مهارت زیادی هم در بالا بردن درآمد کارخانه دارد. البته برای ما کارگران کاملاً روشن است که درآمد کارخانه در اثر کار ما کارگران بالا میرود و اگر کارگران نکنند یک ریال به سرمایه اولیه کارخانه اضافه نخواهد شد. حتی اگر مهندس حقیقی و سرمایه داران امثال او خودشان را بکشند باز هم فایده ای ندارد فقط و فقط کارگران است که سرمایه زیاد میکنند.

بنابر این مهارت مهندس حقیقی در بالا بردن درآمد کارخانه به این معنی است که ایشان در مکیدن خون کارگران و در تفرقه انداختن میان آنها، و خلاصه از آب گل آلودهای گرفتن خیلی مهارت دارند. ما برای اثبات حرفهایمان دلایل کافی داریم.

اولاً: گفتیم مهندس حقیقی یکی از بنیانگذاران کارخانه قرقره زیباست.

سرمایه داران این کارخانه سه برادر (شکرچیان ها) بودند که یکی دزد تراز دیگری بود و اصلاً سرمایه اولیه کارخانه از راه فروش مواد مخدر و دزدی از شهرداری تبریز بدست آمده بود. وقتی دزد بودن این سه برادر با مهارت افرای مثل مهندس حقیقی، صدیق، اخلاقی و... در مکیدن خون کارگران یکجا جمع شود، خودتان قضاوت کنید که چه چیزی بوجود میآید و چه کثافت کاریهایی از دست این جمع او باش ساخته نیست. مهندس حقیقی چندین سال پیش از کارخانه اخراج میشود و برای خودش شروع به کار میکند مثلاً "کارخانه برزنت سازی، کشبافی و..." ایجاد میکند. بعد از قیام پر شکوه زحمتکشان ایران (سال ۵۷) دولت با اصطلاح انقلابی موقت بازرگان بخاطر فراری شدن شکرچیان ها کارخانه را ملی (بهتر است بگوئیم دولتی) میکند و جناب مهندس حقیقی را به اسم اینکه فردی است انقلابی و طرفدار کارگران و بخاطر طرفداری از کارگران توسط شکرچیان اخراج شده است بعنوان مدیر عامل کارخانجات قرقره زیبا و درخشان منصوب میفرمایند. حال ببینیم قضیه اخراج مهندس حقیقی از کارخانه توسط شکرچیان (رضا) چه بوده است؟

جناب مهندس نه بخاطر اینکه از کارگران طرفداری کرده است، بلکه بخاطر اینکه روابط ناجوری با زن آقا رضا شکرچیان داشته از کارخانه اخراج میشود. و صد البته چنین کاری از نظر دولت بازرگان - که سخنگویش (امیر انتظام) جاسوس آمریکا از آب درآمد - عملی انقلابی میباشد، ولی شما کارگران قضاوت کنید کسی که در فکر چنین کثافتکاریهایی باشد چطور میتواند بنفع کارگران زیر دستش کاری بکند؟ البته باید توجه داشت که زن آقا رضا کسی بود که هر شب در پای میز قمار و عیش و عشرت بوده است. این فرد (که حیف است اسمش را زن بگذاریم) صدها و شاید میلیون ها تومان در یک شب پای میز قمار

بقیه در صفحه ۶

بقیه کارگران از کوره مبارزات ...

تلف میکرده است - پولهایی که از عرق پیشانی
مدها کارگر قهرمان قرقره زیبا و درختان بدست
آمده بود، پولهایی که در واقع خون مدها کارگر
زن و بچه کارگران این دو کارخانه بوده است -
بله رابطه آنچنانی داشتن با چنین زنی فقط
از دست کسانی برمیآید که بر سر چنین میزهای
قماری بنشینند و چنین پولهایی خرج کنند. یکی
از این افراد مهندس حقیقی بود.

ثانیاً : اصولاً سرمایه داران یکعده را
بعنوان نورچشمی دورو بر خود دارند و اینها
افرادى هستند که چماق سرمایه دار میباشند.
افرادى که جاسوسى کارگران را میکنند. افرادی
که برنامه های ضد کارگری سرمایه دار را پیاده
میکنند. در کارخانه قرقره زیبا نیز از این
افراد بودند. کسانی مانند حسین زماني، حسین
رشتی، عزت زمانی، حیدر محمدی و ... که از
دستمال بدستان و بادمجان دورقاب چین های
آقایان شکرچیان ها بودند. این افراد تربیت
شده مکتب شکرچیان ها، حقیقی ها و صدیق ها
میباشند. تمام این افراد بعد از انقلاب قیافه
اسلامی گرفتند و طرفدار کارگران شدند. ساده تر
بگوئیم این گرگها بعد از انقلاب لباس میش
پوشیده اند. اینها از اعتقادات پاک کارگران
سوء استفاده کردند و کارگران نیز بخاطر بسی
تجربگی آنها را بعنوان نمایندگان شورا انتخاب
کردند (البته بهتر است بگوئیم آنها خودشان را
بعنوان نماینده به کارگران قالب کردند).
حال بد نیست نگاه کوتاهی به وضعیت این افراد
بیان داریم .

۱ - حسین زمانی: سرپرست انبار مواد
اولیه - عنصر شورا - جاسوس درجه یک شکرچیان -
دعاگوی دائمی خانواده سلطنتی - کسی که شعار
" بختیار سنگرت را نگهدار " میداد - گوسفند
پیش پای شکرچیان قربانی میگرد - شکرچیان را
پدر کارخانه میدانست .

۲ - عزت زمانی : سرپرست سالن بزرگ -
عضو شورا - جاسوس شکرچیان - حامی شاه و سلطنت
۳ - بیا بانک : تکنسین رنگرزی - رئیس
شورا .

۴ - حیدر محمدی : سرپرست قسمت مقدمات
و عضو شورا .

۵ - حسین رشتی : سرپرست یکی از سالنها
کارخانه - رئیس شرکت تعاونی - عضو شورا -
عامل شکرچیان .

۶ - اعظم خانم : کارگر - عضو شورا - به
شهادت کارگران این فرد بدترین رفتار را با
کارگران زن این کارخانه دارد و همواره با فحش
و ناسزا از کارگران میخواهد که تولید را بالا
ببرند .

۷ - محمد مختاری : سرکارگر برق - عضو
شورا - قمار باز .

.....
" شمع و گل و پروانه
و بلبل همه جمعند ! " فقط یکی شان کم بود که
آنها هم دولت آقای بازرگان با فرستادن مهندس
حقیقی جور کرد .

بله مهندس حقیقی برای رفع نیازمندیهای
کارگران نیامده است . او میخواهد تولید بیشتر
شود و چه روئی دارد که میخواهد در مقابل بالا
رفتن تولید کارگران حتی کوچکترین خواستی را
مطرح نکنند. ساکت باشند، صبر انقلابی کنند ،
عرق بریزند، سل و هزار جور مرض دیگر بگیرند
ولی حرف نزنند. شما قضاوت کنید، کسی که در
مقابل خواستهای بحق کارگران خفه خون میگیرد
و اجازه میدهد که کارگران تب - توسط
پاسداران
سرکوب شوند، با چه روئی ادعای انقلابی بودن
میکند و از کارگران میخواهد که تولید را بالا
ببرند؟

بله مهندس حقیقی نیامده است تا به
دردهای ما گوش دهد. او آمده است تا فریادهای
ما را در گلویمان خفه کند، او حتی این شورای
نیم بند را نمیتواند تحمل کند چرا که فردی
(بیا بانک) در این شورا هست که روزی در
گذشته توی گوش شکرچیان خوابانیده است و بهر
حال تا حدی در بین کارگران محبوبیت دارد و
احتمال ضعیفی است که روزی طرف کارگران را
بگیرد. مهندس حقیقی از چنین چیزی هم میترسد.

بقیه کارگران از کوره مبارزات ۰۰۰

او میترسد کسی پیدا شود و به کارگران قوت قلب دهد و بخواهد توی گوش مهندس حقیقی و ۰۰ برای همین است که او (مدیر عاملی که از طرف دولت با اصطلاح انقلابی تحمیل شده است) در مقابل اعتراض کارگران به رشوه گیری ۱۰ هزار تومانی حیدر محمدی، دست به اقدام انقلابی !!! میزند و شورا و کمیته دپورا بر علیه کارگران می شورانند چند نفر اخراج میشوند و صلح و آرامش! در کارخانه برقرار میشود. اما مهندس حقیقی هنوز راضی نشده است چرا که هنوز شورا پابرجاست، هر چند شورا کارگرای نیست ولی همانطور که در بالا گفتیم باب میل مهندس حقیقی هم نیست.

هموز بین کارگران حرکتی وجود دارد. اعتراضاتی بگوش میرسد. در این مدت طرح طبقه بندی مشاغل پیاده میشود. این طرح با رضایت مهندس حقیقی بوسیله شورا دستکاری میشود. مثلاً "به حقوق حسین زمانی ۷۰ تومان اضافه میشود در حالیکه برای کارگر فنی با ۱۲ سال سابقه کار و حقوق ۷۶ تومان و ۸ ریال فقط ۱۸ تومان و ۶ ریال اضافه میشود. در ضمن این اوضاع بابهانه های مختلف از کارگران خواسته میشود که تولید را بالا ببرند. به بهانه جهاد سازگاری از کارگران میخواهند روز جمعه رانیز کار بکنند. به بهانه مبارزه با آمریکا از آنها خواسته میشود هر چه بیشتر در بالابردن سطح تولید بکوشند. و الحق کارگران برای نشان دادن

نفرت خود از سرمایه داران و در رأس آنها آمریکا نهایت سعی خود را میکنند و تولید را از ۳ تن به ۷ تن می رسانند. ناراضی کارگران روز به روز اوج میگیرد. منتهی ترس از اخراج و فشار شورا خفقان زیادی در کارخانه بوجود آورده است. بطوریکه کارگران نمیتوانند حتی خواستار طبیعی ترین حقوق خود از قبیل "تأمین بهداشت محیط کار" بشوند. بدنبال حیلله هائی که مهندس حقیقی و عمالش بکار میبرند بین بیابانک و اعضاء شورا اختلاف شدت پیدا میکند. جریان از این قرار بود که :

"اعضاء شورا وقتی میبینند کسی جرأت

اعتراض ندارد، توقعشان بالا میرود و مشغول درآمد کارخانه بنفع خود میشوند. بدین صورت که هر کدام مقداری وام، اضافه حقوق، حق رفت و آمد و غیره میخواهند. منتهی آقای بیابانک "سنگ تمام" میگذارد مثلاً ۵۰۰۰ تومان اضافه حقوق میخواهد و ۲۰۰۰ تومان حق رفت و آمد و ۱۰۰۰ ماشین و راننده شخصی و ۱۰۰۰ هزار تومان وام بدون بهره و ۰۰۰ بدین ترتیب اختلاف بین اعضاء شورا افزایش می یابد. وقتی این مسئله به گوش مهندس حقیقی میرسد، موقعیت را مناسب تشخیص داده شروع به بهم زدن کارها میکند. خواستهای بیابانک با تشویق مهندس حقیقی به کارگران اطلاع داده میشود و اعتراض کارگران شروع میشود البته مهندس حقیقی انتظار نداشت کارگران جرأت داشته باشند و خواستهای خودشان را مطرح کنند بلکه او فکر میکرد که کارگران فقط بر علیه بیابانک و شورا برمی خیزند. ساده تر بگوئیم او کارگران را با ماشین های ریسندگی عوضی گرفته بود. در هر حال کارگران را دیدن اختلافات بین اعضاء شورا خواستهای خود را بدین ترتیب مطرح میکنند:

- ۱ - ۴۰ ساعت کار در هفته .
- ۲ - استخدام کشوری (رسمی شدن) همگی کارگران .
- ۳ - یک وعده غذای گرم .
- ۴ - بهبود وضع کار و تأمین بهداشت محیط کار .
- ۵ - اخراج افراد طاغوتی و سرپرستانی که با کارگران بد رفتاری میکنند .
- ۶ - باز گردانیدن کارگران اخراجی .

و دیگر خواستها ۰۰۰۰

کارگران بدنبال طرح خواستهای خود دست از کار میکشند و عملاً "شورا منحل میشود و کارگران از بین خود نمایندگان جدیدی انتخاب میکنند. بی تجربگی کارگران مانع از آن میشود که بتوانند در مقابل حیلله های اعضاء شورا و عمال آنها پیشگیری کنند. لذا اعضاء شورا شروع به تبلیغات بین کارگران قدیمی میکنند که: این کارگران جدید میخواهند ما را از نان خوردن بیاندازند و یا اینکه: مگر کارگران قدیمی

علی اکبر رضائی کارمند مبارز شماره گزاری چرا شهید شد؟

(گزارشی از مبارزات کارکنان شماره گزاری
علیه عناصر وابسته)

شورای اسلامی کارمندان راهنمائی و
رانندگی از بدو انقلاب خواستار پاکسازی
اداره راهنمائی و رانندگی از عناصر وابسته
و ارتجاعی بود. سرهنگ زند رئیس اداره شماره
گزاری از جمله این عناصر بود. وی علاوه بر
رشوه خواری ها و ارتباط با ساواک، در سرکوب
کارگران و کارمندان که طی مبارزات ضد رژیم
شاهنشاهی در تظاهرات و راهپیماییها شرکت
میکردند دست داشته و آنان را به ضد اطلاعات
معرفی و از این طریق باعث اخراج و تحقیر
تعمیب قرار گرفتن آنان میشد.

در مقابل درخواستهای مکرر و مداوم کارمندان
و کارگران شماره گزاری و شورای اداره راهنمائی
و رانندگی، شهردار رسیدگی به این خواسته ها را
به تعویق انداخته و با این عمل شرایط آخره
و سرکوب کارگران انقلابی توسط سرهنگ زند را
فراهم میساخت.

بدنبال پیگیری کارمندان در پاکسازی
عناصر وابسته، شهرداری و اداره راهنمائی
و رانندگی در صدد اخراج این کارمندان بر
میآیند. اداره راهنمائی و رانندگی طی حکمی
آقای پیمانلو نماینده کارمندان شماره گزاری
در شورای بااستناد به نامه شهردار و دادستانی
و دنا انقلاب شناخته و اخراج مینماید. (بعد از
پیگیری معلوم شد که دادستانی از این واقعه
کمترین اطلاعی نداشته و فقط آقای شهردار و رئیس
راهنمائی و رانندگی از این موضوع مطلع بودند.
حتی کارگزینی شهرداری که قانوناً باید حکم
اخراج را صادر نماید، هیچ اطلاعی از صدور این
حکم نداشته). آقای سامی معاون شهردار که
رئیس سازمان ترافیک نیز میباشد طی گفتگویی
با شورای کارمندان (چند روز قبل از بستن
اداره شماره گزاری)، تحت عنوان پاکسازی و
صدور احکام رسمی کارمندان، از قول سرهنگ
شانی رئیس اداره راهنمائی و رانندگی اعلام

مینماید که نظامی با غیر نظامی (چون کارکنان
شماره گزاری همه غیر نظامی هستند) نمیتواند
کار کنند و خود سرهنگ شانی میتواند با ما موران
نظامی کارهای این اداره را انجام دهد. جالب
اینجاست که شهردار تهران آقای توسلی نیز
چندی پیش عنوان کرده بود که استخدام کارمندان
شهرداری برای اداره راهنمائی، کاری بی
اشتباه بود و "نظامی با غیر نظامی نمیتواند
کار کند". و نیز اینکه کارمندان فعلی یا باید
با نظامیان سازند و یا دستجمعی اخراج کردند.
لازم به تذکر است که این گفته آقای توسلی بعد
از اعلام خواستهای کارمندان مبنی بر پاکسازی
اداره از عناصر ارتجاعی و جلوگیری از اخراج
کارمندان مبارز و نمایندگان آنان، ایراد
میکرد. دو روز بعد از گفتگوی کارمندان با
سامی و بدنبال فشار کارمندان بر پاکسازی و
اخراج سرهنگ زند، آقای سامی و نماینده
دادستانی با کارمندان به اداره شماره گزاری
مراجعه مینمایند. در این ملاقات کارمندان
مدارک خود را در مورد سرهنگ زند به نمایند
دادستانی نشان میدهند. وی پس از مشاهده
مدارک، آنها را برای اخراج سرهنگ زند کافی
دانسته و اداره را ترک میکند. پس از
این ملاقات سامی در لحظه ترک نمودن اداره اعلام
مینماید که کار کارمندان شهرداری در اداره
شماره گزاری بهتر است که خاتمه یابد و بدین
منظور اداره دو روز باید تعطیل گردد. وی اعلام
مینماید که کارکنان میتوانند برای دریافت
ابلاغ انتقالشان به اداره مربوطه مراجعه کنند.
کارمندان به این انتقال عجولانه اعتراض نموده
و اعلام میدارند که تا صدور احکام رسمی شان
در این اداره خواهند ماند و انتقال میتوانند
بعد از این مسئله انجام گیرد. سامی با این
پیشنها موافقت نموده و اداره را ترک مینماید.
صبح روز بعد کارمندان سرکار میروند اما
با دربهای بسته روبرو میشوند. در روزنامه
با مداد همای روز اعلام میشود که اداره شماره
گزاری بمدت ۱۰ روز تعطیل خواهد بود. (در همان
روز دو یا سه نفر از کارمندان به شهرداری
مراجعه مینمایند، کارگزینی حکم انتقال آنان

بقیه علی اکبر رضانی کارمند ۵۵۰ را به شرکت واحد اتوبوسرانی صادر میکند. ولی زمانی که آنان به شرکت واحد مراجعه میکنند به آنان گفته میشود که اول باید با آنان مصاحبه شود و بعد در زمان احتیاج از آنان استفاده خواهد شد. که این درواقع به معنی رد نمودن آنان بود.

این عمل مورد اعتراض کارمندان قرار میگیرد. کارمندان به دلائلی که در بالا ذکر کردید خواستار ادامه کار بودند. بدنبال این مسئله کارکنان تصمیم میگیرند که مطابق روزهای گذشته، این دوروز نیز به اداره آمده و پشت درهای بسته تا پایان وقت اداری باقی بمانند. اما باز شدن درب اداره شماره گذاری هفده روز به تعویق میافتد. در روز سوم کارمندان که پس از مراجعه به اداره هنوز با درب بسته روبرو میشوند تصمیم به فرستادن چند نماینده جهت کسب اطلاعات بیشتر به شهرداری میگیرند.

در دفتر شهرداری آقای توسلی شهردار تهران به نمایندگان میگوید که وی دستور داده است تا با توافقی آقای ثانی رئیس اداره راهنمایی و ترافیک درب بسته بماند. (تذکر این که آقای شهردار و سرهنگ ثانی رئیس اداره راهنمایی از دوستان نزدیک هستند). یکماه پیش از این واقعه شهردار سرهنگ نوری فرکه فرد صالحی بوده و اکثر اوقات برای حل ترافیک به افسران راهنمایی کمک میکرد. دلیل واهی عدم قاطعیت عوض نمودن بعد سرهنگ ثانی را که در زمان رژیم گذشته معاون افسری فرتیمسار فراری و مشاور نیک پی مفسد بوده است، بدلیل "قاطعیت" به ریاست اداره راهنمایی میگمارد.

در روز چهارم آقای سامی به اتفاق نماینده کمیته مرکزی جلوی اداره آمده با کارکنان صحبت میکند. قرار شد جلسه ای با شرکت شهردار، معاون شهرداری نماینده کمیته مرکزی، نماینده دادستانی و سرهنگ ثانی تشکیل شود. سرهنگ ثانی در این جلسه حضور نمی یابد و چون شهردار باز شدن اداره را به موافقت وی موکول نموده بود مذاکره به نتیجه ای نرسید. بعد از این جلسه آقای محلاتی به اتفاق سامی جلوی اداره آمده، قرار میشود که جلسه ای به اتفاق محلاتی، سامی و سرهنگ ثانی و یا نماینده تام الاختیار او برگزار

شود. اما باز هم ثانی و یا نماینده او شرکت ننمودند. قرار جلسه بعدی هم با نماینده ثانی بدون نتیجه ماند.

در سه روز آخر تعدادی از پاسداران به جلوی درب اداره می آیند. در دو روز اول با صحبت با کارکنان و روشن شدن ماجرا برای آنها هیچگونه عمل غیر منطقی از آنان سر نمیزند. اما در روز سوم ساعت ۸ صبح یک بنزشیری رنگ در چند قدمی درب اداره توقف مینماید. در همین لحظه یک مینی بوس با تعدادی پاسدار جلوی درب اداره مستقر میشوند پاسدارانی که از بنزشیری رنگ پیاده میشوند دست به تحریک کارمندان زده و حتی یکی از پاسداران سلی محکمی به گوش یکی از کارمندان میزند. اما پاسداران موفق به تحریک و ایجاد درگیری نمیشوند در این هنگام آقای سرهنگ ایروانی افسر قرارگاه راهنمایی و راهنمایی پیدا شده و بعد از صحبتی با پاسداران به میان کارمندان آمده، خواستار صحبت با نمایندگان شورا میشود. دو نفر از نمایندگان شورا مشغول صحبت با او میشوند. پاسداران از این سه نفر میخواهند که پاشین تر از محل تجمع به صحبت خود ادامه دهند. سپس آنها حدود ده قدم از محل ورودی اداره دور میشوند و پس از مدتی مذاکره با ایروانی یکی از پاسداران به آنان میگوید که در داخل ماشین بهتر میتوانند صحبت نمایند. اما پس از ورود نمایندگان به ماشین پاسداران ناگهان دوطرف ماشین را با اسلحه سد میکنند و ماشین آماده حرکت میشود. با مشاهده این وضع یکی از نمایندگان خود را از ماشین به بیرون پرتاب میکند. در این لحظه پاسداری که در جلوی ماشین نشسته بود اسلحه خود را روی سینه نماینده دیگر گذاشته و او را تهدید به کشتن مینماید. در این هنگام نماینده دیگر خود را به شیشه عقب ماشین کوبیده و بر زمین میافتد. کارمندان با مشاهده این وضع به طرف نماینده بر زمین افتاده افتاده میدوند. در این هنگام طبق شهادت نماینده داخل ماشین همان پاسداری که با زور اسلحه وی را در داخل ماشین نگهداشته بود، با کمال خونسردی نشانه گیری کرده و علی اکبر رضانی یکی از کارمندان اداره شماره گذاری را به شهادت میرساند.

بقیه علی اکبر رضانی کارمند ۵۰۰

قابل توضیح است که پس از تحقیق روشن شد که بنزیری رنگ متعلق به آقای ابراهیمی صاحب نمایشگاه اتومبیل سیاره بوده است. این نمایشگاه در هنگام انقلاب بدلیل همکاری آقای ابراهیمی با ساواک به آتش کشیده شد و آقای ابراهیمی یکی از دوستان نزدیک سرهنگ ثانی و سرهنگ زند میباشد.

نماینده درون بنزیه کمیته مرکزی تحویل میگردد. پس از مراجعه نمایندگان اداره شماره گذاری به کمیته مرکزی این نماینده آزاد میگردد. در آنجا به نمایندگان گفته میشود که این پاسداران متعلق به گروه سیمرغ هستند و دوماه است که مورد ظن بوده تحت تعقیبند، اما هنوز معلوم نیست که بدستور چه کسی به جلوی درب اداره شماره گذاری رفته اند.

پس از جندی قاتل "دستگیر" میشود ولی در اعترافات خود به شرکت ایروانی در برنامه ریزی اشاره مینماید. او بوسیله شاهدان عینی شناسائی و تحویل دادستانی اوین میگردد. اما پس از مراجعه دو تن از کارمندان به دادستانی زندان اوین معلوم میشود که قاتل آزاد شده است کارمندان اداره شماره گذاری پس از مشاهده این مسئله اقدام به اعتصاب غذای نامحدود در دفتر شهرداری نموده خواستهای خود را بشرح زیرا اعلام مینمایند:

۱- محاکمه قاتل و مسببین قتل

۲- پرداخت حقوق و مزایای رسمی شهید به خانواده اش و تهیه مسکن برای آنها.

دوروز پس از شروع اعتصاب غذا، شورای شرکت واحد اتوبوسرانی و شورای مجمع نمایندگان شهرداری از کارکنان شماره گذاری میخواهند که دست از اعتصاب غذا بردارند و بیست روز مهلت جهت تحقق خواسته های خویش تعیین نمایند. این دوشور ا پشتیبانی خود را از کارمندان شماره گذاری اعلام میدارند. پس از این پیشنهادات اعتصاب غذا بطور موقت برای ۲۰ روز قطع میشود.

درود به خاطره شهید مبارز علی اکبر رضانی

بقیه کارگران از کوره مبارزات ۴۰۰

مرده اند که چند تا جدیدی بخواهند کارها را بدست بگیرند و از این قبیل چرندیات. این حرفها موجب فاصله افتادن بین کارگران قدیم و جدید میشود. از طرف دیگر بیابانک به کارگران می پیوندد و کارگران نیز از روی بی تجربگی بدون هیچ قید و شرطی او را می پذیرند. روز بعد ظاهرا "به بهانه اینکه در کارخانه عده ای ضد انقلاب نفوذ کرده اند پای کمیته به کارخانه باز میشود. بیابانک وعده ای در حدود ۱۸ نفر دستگیر و اخراج میشوند. عده ای هم در حدود ۴ نفر در خارج از کارخانه بعثت پخش اعلامیه دستگیر میشوند و جریان با وعده تجدید انتخاباتی شورا خاتمه می یابد. عوامل زیر:

- اشتباه کارگران آگاه در تشخیص موقعیت
- اختلاف بین کارگران قدیم و جدید.
- فشار و خفقان ناشی از اقدامات ضد کارگری کمیته دپو.
- خفه خون گرفتن مهندس حقیقی و کسانی که خود را در مقام دفاع از کارگران جا کرده اند.

همیشه دست بدست هم میدهند و موجب میشوند یکبار دیگر حرکت و جنبش کارگران مبارز قرقره زیبا سرکوب شود.

نتیجه این تلاش و حرکت کارگری هرچند ظاهرا "بمنفع کارگران نبود ولی در نهایت بمنفع سرمایه داران نیز نخواهد بود. چرا که کارگران با هرتکان و با هر حرکتی آگاه تر و هوشیار تر میشوند و بار دیگر با قدمهای محکم تری به پیش میروند و با مشت های کوبنده تری به میدان می آیند. کارگران هرگز از مبارزه ماء پیوس نمیشوند. زیرا: در این مبارزات کارگران نه تنها غیر

از زنجیرهایی که به پا دارند چیزی را از دست نمیدهند بلکه در صورت پیروزی دنیائی را هم بدست میآورند.



بقیه از شورای کارکنان شرکت مخابرات ۵۵۵

خواهان‌هاش روشن، وزارت پست و تلگراف و تلفن به ریاست آقای قندی مدتهاست که برای انحلال شورای مترقی کارکنان پادست زدن به توطئه‌های رنگارنگ تلاش میکند. شورای کارکنان شرکت مخابرات که در جریان انقلاب شکل گرفت و در کنار مبارزات ضد رژیمی و ضد امپریالیستی مردم در پیروزی انقلاب علیه رژیم شاه سهم بود، پس از روی کار آمدن رژیم جدید همچنان به مبارزات خود ادامه داده و در پاکسازی شرکت مخابرات از عناصر اخلال‌گرواکی، از بین بردن روابط دیوانسالاری و بالا بردن خلاقیت نیروی کارکنان در جهت انقلاب واقعی ایران کوشش کرده است. افشای لیست ساواکیها و عناصر مزدور رژیم گذشته از قبیل "کیان جم" عضو حزب رستاخیز شاه که قبلاً "بعنوان رئیس انفرماتیک و کامپیوتر" خدمت "میکرده، یکی از برنامه‌های مبارزاتی کارکنان بوده است. البته برنامه‌هایی از این قبیل به مذاق سردمداران این شرکت و وزارت پست و تلگراف و تلفن و آقای وزیر (که پست معاونت مدیر عامل شرکت را در اختیار سرسپرده ای چون آقای "کیان جم" میگذارد که هنوز هم در پست خود به خوش خدمتی مشغول است)، نمیتواند خوش آیند باشد. شورا از نظر این آقایان که نه تنها دست آنها رارو میکند و منافعی را باخطر می اندازد بلکه همچنین از این نظر که ماهیت خلقی و دمکراتیک دارد، چون زهر هلاهل خطرناک و کشنده است. بیهوده نیست که آقای وزیر ناگهان بفکر پاکسازی نوع جدید یعنی اخراج کارکنان صادق و مبارز و نمایندگان فداکار شورا افتاده و تحت بهانه‌های مختلف مثل کم کاری، اخلال، ضد انقلابی و یا مزاد بر احتیاج، احکام اخراج و یا منصرف خدمت و یا بازنشستگی صادر کند. حتی عجیب نیست که آقای وزیر از فرط علاقه به ارتجاع و امپریالیسم و برای نابودی شورای کارکنان، خود شخصاً "به همراهی هیئت مدیره (که خود نقش مدیرعاملی آنرا دارد) با اجیر کردن پاسداران همچون میر غضب به سر وقت

کارکنان رفته و به بهانه‌های مسخره "مدی نژاد" عضو شورای مرکزی را با توهین و زور از اداره بیرون کند. شورا که قبلاً "در قطعنامه‌های ۱۶ و ۲۳ بهمن ماه در مقابل همه این سنگ اندازیها و توطئه‌های مذبوحانه دست به افشاگری و اعتراض زده و نتیجه‌ای عایدش نمیشود در روز چهارشنبه ۲۴ بهمن ماه دست به تحمّن زده و با حمایت اکثریت کارکنان شرکت مخابرات روبرو میشود. اما به محض شروع تحمّن حملات ارتجاعی آقای وزیر از طریق بورس پاسداران مسلح، تحریم عده‌ای از رانندگان و مستخدمین ناآگاه و قشربونی که در لباس اسلام بر علیه شعار: "پیام طالقانی شهادت است و شورا" و "علم کردن شعار: "پیام طالقانی اطاعت از امام است" بسیج شده بودند، آغاز میشود. عده‌ای از کارگران مبارز از جمله چهار نفر از اعضای شورای مرکزی که بعداً "حکم اخراج آنان از طرف آقای وزیر و به امضای مدیر عامل شرکت صادر شد، دستگیر و بازداشت میشوند. بسیاری از متحمّنین به شیوه آریا مهری با کتک و اهانست توسط پاسداران به بیرون از ساختمان پرتاب میشوند. اگرچه بیشتر دستگیرشدگان در همان روز آزاد میگردند، ولیکن شورا با تشکیل مجمع عمومی فوق العاده و محکومیت اعمال فاشیستی آقای وزیر ضمن قطع تحمّن، تصمیمات جدی جهت ادامه مبارزه با سردمداران شرکت و وزیر مربوطه اتخاذ میکند. شورای کارکنان شرکت مخابرات با حمایت شوراهای منطقه‌ای ۹ گانه، خود مسلماً "در مقابل توطئه‌های چیده شده ارتجاع بطور یکپارچه و متحد به مبارزه خود ادامه داده و پیروز خواهند شد. وظیفه کلیه شوراهای اتحادیه‌ها و سندیکاها مترقی و نیروهای مبارز سیاسی است که با همبستگی و حمایت از مبارزه بحق شورا و کارکنان شرکت مخابرات به مبارزه همه جانبه با امپریالیسم و ارتجاع داخلی بپردازند.

* پیروز باد مبارزات بحق شورای کارکنان شرکت مخابرات *

* مرگ بر ارتجاع و امپریالیسم و عوامل مزدور آنها *

بقیه انقلاب شکست خورد...۵۵۵

است هدف اصلی سرمایه‌داری برآورده می‌شود. و این کار شد. سرمایه‌داری با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، مهر و امضای خود را بر پای انقلاب ایران حک کرد. دوسال جنگ و خون‌ریزی و هزاران هزار قربانی در نهایت بنفع سرمایه‌داری و اینبار نوع جمهوری بجای سلطنتی تمام شد. این بزرگترین پیروزی سرمایه‌داری و امپریالیسم بود. این همه‌پرسی‌ها، سه گام مهم در جهت شکست انقلاب و پیروزی سرمایه‌داری بودند. توضیح اینکه «حزب رستاخیز جمهوری اسلامی در همه این مراحل حزب واحد ضد انقلاب و سرمایه‌داری باقی ماند.

۴- آخرین تیر ترکش سرمایه‌داری انتخاب ریاست جمهوری بود.

سه گام اصلی که برداشته شده حال میبایستی توسط قوه مجریه به اجرا دربیاید. با انتخاب آقای بنی صدر قوانین سرمایه‌داری ضمانت اجرایی پیدا کرد و بالاخره: انقلاب سرمایه‌داران به پیروزی رسید.

حال با توجه به تحولات یکسال گذشته، چه کسی باید سالگرد انقلاب را جشن بگیرد؟ انقلابی که سالگرد آنرا سرمایه‌داران جشن بگیرند، انقلاب نیست، ضد انقلاب است. کارگران و همه زحمتکشان فهمیدند که این انقلاب و نتایج آن متعلق به کسانی چون آقای بهشتی و رفسنجانی، قطب زاده و چمران، بازرگان و میناچی و خلاصه کسانی چون بنی صدر است. اینها بودند که قدرت را قبضه کردند و بر مزار انقلاب توده‌های زحمتکش جشن و پایکوبی کردند. با وجود همه اینها ولی هنوز قلب جوان و نیمه جان انقلاب از تپش نیفتاده است. تجربه‌ای که گذشت مسلماً "به آگاهی توده‌های زحمتکش خواهد افزود. کسانی که انقلاب را دوستی تقدیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی کردند، به اشتباه خود پی خواهند برد. هم‌اکنون بسیاری از توده‌ها و کارگران آگاه به این نتیجه رسیده‌اند که به انقلاب دیگری نیاز هست. انقلابی که رهبری آن فقط و فقط در دست طبقه کارگر باشد و لاغیر. با امید آرزو.

★★★

بقیه از مبارزات بحق کارگران گروه انتشاراتی...۵۵۵

- ۱- عدم اخراج کارگران
- ۲- جلوگیری از فروختن فروشگاهها
- ۳- پرداخت حقوق ضایع شده‌ی کارگران
- ۴- اعاده‌ی حیثیت از کلیه‌ی کارگران

۵- حسابرسی فروشگاهها با حضور نماینده‌ی

ذیصلاح

۶- تقبل هزینه‌ی هر فروشگاه توسط کارفرما
بدنبال تحمّن کارگران، کارفرما دست به تبلیغات سوء در مورد کارگران زد. و حتی در برنامه‌ی "بازار کتاب" از رادیو که در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۹ از صدای جمهوری اسلامی پخش شد خود را ورشکسته و بدبخت و کارگران را اخلاک‌گر و ضد انقلاب معرفی نمود.

بدنبال این حرکت ضد کارگری کارفرما، سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه برای حمایت از کارگران متخصص انتشارات امیرکبیر، جیبی و خوارزمی دست بیک راهپیمایی در ۵۸/۱۱/۲۰ زده خواسته‌های زیر را در قطعنامه‌ی خود منعکس نمودند:

۱- ما خواهان رسیدگی فوری به خواسته‌های کارگران متحمن امیرکبیر، جیبی و خوارزمی و انبار از طرف دادستان انقلاب و دفتر امام و شورای انقلاب هستیم.

۲- ما اعمال کارفرما را در مورد کارگران متحمن به شدیدترین وجه محکوم نموده و از خواسته‌های بحق آنها پشتیبانی میکنیم.

۳- ما خواهان هر چه از زانتر شدن قیمت کتاب هستیم.

۴- ما خواهان بیمه شدن همه‌ی کارگران کتاب فروش و انبارهای مربوطه میباشیم.

۵- ما خواهان لغو هر چه سریعتر قانون کار طاغوتی و تدوین قانون کار جدید بدست کارگران میباشیم.

طبق آخرین خبر رسیده، عبدالرحیم جعفری صاحب موسسه‌ی امیرکبیر سرمایه‌دار و عنصر خود فروخته‌ای که در رژیم ضد خلقی شاه خائن در خدمت امپریالیسم و حکومت وقت

دروود به مبارزات کارگران شرکت فاسترویلر تهران جنوب

اعمال ضد کارگری شرکت های پیمانکاری تاکنون بر همگان روشن شده است. آنها همیشه نشان داده اند که گونه بادر اختیار گذاشتن نیروی کار انسانی به شرکت های داخلی و خارجی یک نوع برده فروشی قانونی برآه انداخته اند و دلالی و واسطه گری حاصل نیروی کار و دسترنج کارگران را بحیب میزنند.

یکی از این شرکتهای پیمانکاری، فاسترویلر- تهران جنوب است که به شرکت هایی که وابسته به صنایع فولاد اهواز هستند کارگر پیمانی میدهد. اکثر شرکت هایی که مشغول تاءسیس و ساختمان فولاد هستند، خارجی بوده و به شرکت مبارزه با مصلاح ضد امپریالیستی دولت هنوز هیچ قدمی در راه لغو قراردادهای امپریالیستی بر داشته نشده و در نتیجه این شرکتها همچنان مسئول ادامه کار خود هستند. کارگران مجتمع فولاد اهواز که در دوران انقلاب نیز با راه اندازی اعتماد و تظاهرات علیه رژیم سابق سهم بسزائی در پیروزی انقلاب داشته اند، امروز نیز با عدم توجه به خواسته های بحق کارگران و در پیش گرفتن همان روش های گذشته علیه کارگران از جانب "مقامات مسئول"، از دولت با مصلاح انقلابی قطع امید کرده برای رسیدن به حقوق خود مجبور به دست زدن به راه پیمائی و تظاهرات شدند. آنها طی تظاهرات خود و طرح شعارهایی از قبیل:

"کارگر پیمانی ملی باید گردد، شرکت پیمانکاری ملی باید گردد."

"پیمانکار پیمانکار شرکت امپریالیسم، کارگر کارگر دشمن امپریالیسم" در مقابل دفتر فاسترویلر - تهران جنوب گرد آمده و تابلوی شرکت را ب زیر کشیدند و بجای آن تابلوی شرکت ملی پروژهای را نصب کردند. کارگران در اجتماع خود اعتماد کل کارگران فاسترویلر- تهران جنوب را به همراه خواسته های زیر اعلام کردند.

۱- لغو قرارداد صنایع فولاد فاسترویلر تهران جنوب.

۲- رسمی شدن کارگران پیمانکار صنایع فولاد.

۳- استفاده از مزایائی که کارگران شرکتهای ملی دیگر دارند. در این اجتماع همچنین اعلام شد که اگر بخواسته های آنان رسیدگی نشود دست به شیوه های دیگر مبارزه خواهند زد.

* پیروز باد مبارزات کارگران *

بقیه از مبارزات بحق کارگران گروه انتشاراتی

مورد تنفر و انزجار شدید کارگران زحمتکش بود، بدنبال اقدامات افشاگرانه و مبارزات کارگران توسط دادستانی بازداشت و زندانی گردید. اما با وجود این هنوز خواسته های بحق کارگران متحصن برآورده نشده است.

پشتیبانی از مبارزات پیگیر کارگران انتشارات امیرکبیر و خواسته های بحق سندیکای کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه وظیفه کلیه اتحادیه ها، شوراهای سندیکای کارگری و مبارز و نیروهای مترقی است. مبارزات کارگران متحصن در موسسه امیرکبیر نمونه و جلوه دیگری از مبارزات کارگران ایران علیه ستم و استثمار سرمایه داریست.

* * *

بقیه کارگران مبارز کارخانه آژور

۳- سرویس ایاب و ذهاب میبایستی نسبت به تعداد کارگران تهیه و در اختیار شورای کارگران قرار گیرد.

۴- بهداشت و تغذیه کارگران در محیط کارخانه میبایستی بر طبق استاندارد در آید.

۵- تمام ماشین آلات کارخانه میبایستی بر طبق استاندارد تعمیر و مجهز به حفاظ ایمنی گردند.

۶- کار فرما مسئول است که حق بیمه کارگران را سر موعد بپردازد.

۷- کارگران غیر رسمی میبایستی رسمی گردند.

۸- حق استخدام و اخراج کارگران میبایستی باز شورای کارگران باشد.

۹- شورا حق نظارت و کنترل بر تولید و فروش را میباید.

از طرف شورای کارگران کارخانه آژور

اخبار :

انتخابات دوره سوم شورای کارگران فیلیپس

● شوراهای کارگری فیلیپس پس از سه دوره انتخابات مجدداً تشکیل گردید. دور اول و دور دوم انتخابات بدلیل دسته‌بندیهای مختلف بین کارگران و از جمله گروه بندی کارگران به "کارگران قدیم" و "کارگران جدید" بی نتیجه ماند. در انتخابات اخیر اعضای شورا از بین کارگران و کارمندان قسمتهای مختلف انتخاب گردیدند. شکل انتخابات بدین صورت بود که تحت نظارت اعضای اتحادیه (سندیکا) (که قبلاً از تشکیل رسمی شورا مسئول امور سرپرستی و مرجع دیضلاح امور کارگری بودند)، قائم مقام مدیر عامل کارخانه و دو نفر از مقامات کارخانه، بازاء هر ۵۰ نفر ۲ نفر انتخاب گردیدند.

اولین جلسه‌ی مقدماتی شورا در چهارشنبه ۵۸/۱۱/۱۷ تشکیل گردید.

* * *

فهرست:

- انقلاب شکست خورد، زنده باد قیام ۲۱ بهمن
- کارگران کارخانه آژور پیروز شدند
- از مبارزات بحق کارگران گروه انتشاراتی (خوارزمی، جیبی، امیرکبیر) پشتیبانی کنیم
- از شورای کارکنان شرکت مخابرات پشتیبانی کنیم
- گزارشی از کارخانه ریپسندگی قرقره زیبا
- علی اکبر رضائی کارمند مبارز شماره‌گذاری چرا

شهید شد ؟

- اخبار

کارگران مبارز چوکا، کارفرمایان خود را رسوا کردند

کارگران مبارز چوکا (صنایع چوب و کاغذ ایران) مدتی پیش در اجتماع خود، مدیران کارخانه و استاندار گیلان را بسبب توطئه برای انحلال شورا و دستگیری اعضاء آن افشا نموده و طبق قطعنامه‌ای ۱۴ ماده‌ای خواستار اخراج نیروی ویژه و افرادی که با پارتی بازی سرکار آمده‌اند و نیز افشاء لیست ساواکیها و اجرای درخواستهای رفاهی خود میشوند. ولی مسئولان کارخانه در مهلت تعیین شده از طرف کارگران به خواسته‌های بحق آنان پاسخ نگفته و در نتیجه کارگران برای گرفتن حقوق خود دست به تحسین یکپارچه در مقابل دفتر مدیر عامل می‌زنند و همگی دست‌از کار می‌کشند.

شورای کارکنان کارخانه در ادامه تحصن اقدام به گروگان گرفتن مدیر عامل کرده و از او می‌خواهند که به خواسته‌های کارگران جواب دهد. اما از آنجائیکه طبق معمول سرپرستان کارخانه‌ها در برابر خواسته‌های کارگران متوسل به ارگان‌های دولتی از قبیل نماینده امام و شورای انقلاب میشوند، در این مورد نیز استاندار گیلان و نماینده امام در رشت به کمک مدیر عامل شتافته و سعی میکنند در اجتماع ۵۰۰۰ نفره کارگران آنها را بفریبند.

کارگران آگاه با شعارهای یکپارچه خود حیلۀ آنها را خنثی کرده ایشان را وادار میکنند که صورت جلسه‌ای تنظیم و بر طبق این صورت جلسه خواسته‌های زیرونیز مفاد قطعنامه ۱۴ ماده‌ای سابق را اجرا نمایند.

- ۱- پرداخت مابه‌التفاوت حقوق کارکنان.
- ۲- خارج شدن نیروی ویژه از کارخانه.
- ۳- بررسی پرونده‌ها توسط شورا و اعلام لیست ساواکی‌های کارخانه.

در اثر این مبارزه پیگیر و متحد، شورا توانست مدیران را افشا و احکام آنها را لغو نموده و خودشان را نیز اخراج نمایند.

* پیروز باد مبارزات کارگران *